



## نسبی گرایی اخلاقی اساساً مردود است/ جرایب بودن گوشت خوک در اسلام از نظر منتسکیو

استاد بازنشسته دانشگاه شهید بهشتی با اشاره به اینکه نسبی گرایی اخلاقی اساساً مردود است گفت: اگر قرار باشد نسبییت اخلاقی به کرسی بنشیند...

استاد بازنشسته دانشگاه شهید بهشتی با اشاره به اینکه نسبی گرایی اخلاقی اساساً مردود است گفت: اگر قرار باشد نسبییت اخلاقی به کرسی بنشیند اصلاً نمی شود از چیزی به نام حقوق بشر صحبت کرد. دکتر منوچهر صانعی دره بیدی درباره مکاتب معتقد به نسبی گرایی اخلاقی به خبرنگار مهر گفت: معمولاً مکاتبی که معتقدند ارزشهای اخلاقی زیر ساخت های جغرافیایی دارند معتقد به نسبی گرایی اخلاق هستند. می گویند در نقاط مختلف کره زمین گرما، سرما و منطقه کوهستانی و سردسیری و کویری و گرمسیری و مناطق جنگلی و معتدل بر ارزشهای اخلاقی تأثیر می گذارند. یعنی ارزشهای اخلاقی متناسب با این موقعیت ها و شرایط شکل می گیرد.

وی افزود: بزرگترین چهره معتقد به نسبییت اخلاقی منتسکیو است که در کتاب روح القوانین نظریات خود را در این خصوص بیان کرده است. او یک تئوری کاملاً منسجمی در این زمینه بیان کرده و معتقد است ارزشهای اخلاقی بر آمده از شرایط طبیعی و جغرافیایی است. یعنی مناطق آب و هوایی مختلف در دراز مدت تبدیل به شرایط و بعد تبدیل به ارزشها و احکام دینی می شود. منتسکیو در این کتاب مثالی از مسیحیت و اسلام و از هندوستان می آورد و می گوید به چه دلیل در دین اسلام خوردن گوشت خوک حرام است و او دلیل خود را علت منطقه جغرافیایی خاص عربستان بیان می دارد.

این محقق و پژوهشگر فلسفه در مورد نتایج اجتماعی نسبی گرایی اخلاق هم تصریح کرد: نسبی گرایی اخلاقی اساساً و اصولاً مردود است. یعنی یک نظام اخلاقی واحد برای انسانیت است؛ چنانچه کانت تضمین کرده است. کانت یک نسل پس از منتسکیو است و امروزه این مسائل مربوط به حقوق بشر و اینها همه مبتنی بر مطلق بودن اخلاق است. یعنی اگر قرار باشد نسبییت اخلاقی به کرسی بنشیند اصلاً نمی شود از چیزی به نام حقوق بشر صحبت کرد. حقوق بشر معنایش این است که یک نظام اخلاقی واحد وجود دارد که در جهان مسلط است اما به لحاظ اینکه گروه ها و مذاهب مختلف بتوانند هر کدام در درون خودشان یک ارزش های اخلاقی به وجود آورند این تئوری نسبییت اخلاقی می توانند یک زمینه منطقی فراهم کند برای این گروه های اقلیت در هر کشوری یا مذاهب مختلف که معتقد هستند می شود نظام اخلاقی مخصوص به خود را به وجود آورد.

استاد بازنشسته فلسفه دانشگاه شهید بهشتی در مورد دیدگاه اسلام در باره نسبی گرایی اخلاقی و یا جهانشمولی اخلاق هم عنوان کرد: دیدگاه اسلام را نمی شود در این دیدگاه ها طبقه بندی کرد. در بین متفکران مسلمان تئوری های اخلاقی داریم که می شود اینها را در یک دسته ای طبقه بندی کرد. مثلاً مرحوم علامه طباطبایی بحثی به نام اعتباریات اخلاقی یا اخلاق اعتباری دارد و حرفش این است که این ارزشهای اخلاقی اعتباری هستند. این کلمه اعتباری را وقتی معنایش را پی گیری می کنیم نهایتاً می رسیم به اینکه اخلاق نسبی است و یک چیزی شبیه منتسکیو می گوید البته علامه از دیدگاه اسلام حرف می زند و کاری به دیدگاه منتسکیو ندارد.

این مدرس دانشگاه خاطر نشان کرد: اما صرف نظر از آرای علامه و برخی از فقهای دیگر که حرفهای دیگری زده اند مثل کتاب جامع السعادات ملا مهدی نراقی که به عنوان یک منبع اخلاقی است و ترکیبی از آراء افلاطون و ارسطو و قدمای یونان و ارزشهای اسلامی و نظر متکلمین و اینهاست در واقع یک دیدگاه ترکیبی است. اما اگر از همه این مصداق ها صرف نظر کنیم و به اصل تئوری اسلام بپردازیم اصل تئوری اسلام اخلاق را نسبی می داند و اخلاق مطلق را قبول ندارد. زیرا در اسلام افراد به مؤمن و کافر و منافق و اهل کتاب و گروه های دیگر تقسیم می شوند که هر کدام از این گروه ها حقوق ویژه خود را دارند.

این محقق و پژوهشگر فلسفه تصریح کرد: در داخل مؤمنین حقوق مومنین با مومنات فرق می کند. در اسلام مومن و کافر حقوق برابر ندارند. لذا حقوق مطلق در کار نیست.